

اسناد بين المللي

اشاره

1. اختلافات بين المللي را به اعتبار طرفين آن، مي توان به سه گروه تقسيم کرد:

- اختلافات بين اشخاص خصوصي خارجي.
- اختلافات بين دولتها يا دولتها و سازمانهاي بين المللي
- اختلافات بين دولتها و اشخاص خصوصي خارجي.

2. حل و فصل اين قبيل اختلافات موکول به تعيين تکليف دو عامل يا موضوع اساسي است: يکي قانون حاکم و ديگري مرجع رسيدگي؛ منتهي روشها، قواعد و قالبهاي ناظر بر اين دو موضوع خصوصاً از حيث مرجع رسيدگي، در همه اختلافات بين المللي يکسان نيستند؛ بلکه حسب مورد - از جمله به اعتبار طرفين - متفاوتند. به اين معني که براي اختلافات تجاري بين المللي بين اشخاص خصوصي - چنانچه در قرارداد يا بعداً نسبت به قوانين و محاکم کشور

خاصي توافق نشده باشد — معمولاً روش داوري انتخاب مي‌گردد، اعم از داوري سازمانی یا خاص؛¹ در صورتي که اختلافات بين دولتها برحسب انواع اختلاف و با فراهم بودن شرايط لازم، یا به ديوان بين‌المللي دادگستري (I.C.J) که از ارگان سازمان ملل است، ارجاع مي‌گردد و یا اینکه به داوريهاي خاص رجوع مي‌شود مانند ديوان داوري دعاوي ايران - ايالات متحده. اما روش حل و فصل اختلافات نوع سوم يعني دعاوي بين دولتها و اشخاص خصوصي خارجي که جنبه تجاري داشته باشند، همواره مورد گفتگو و نزاع بوده است. دولتها بنا به حاکمیت خود ميل دارند که قوانين و نیز محاکم کشور خود را بر قرارداد مربوط و نهایتاً بر اختلافات ناشی از آن حاکم نمایند؛ در صورتي که اشخاص خصوصي خارجي از بیم نفوذ دولت و نیز تعیین قوانين، از این روش گریزان بوده‌اند. از طرف دیگر اختلافات مذکور ناشی از نوع خاصی از روابط قراردادي مانند سرمایه‌گذاري،

1. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به مجله حقوقی شماره 3، بخش اسناد بین‌المللي (اشاره)، ص 207 و 208.

راه اندازی کارخانجات و صنایع و پروژه‌های عمرانی در کشورهای سرمایه‌پذیر است و از پیچیدگی به‌خصوصی برخوردار می‌باشد و ویژگی‌های خاص خود را دارد، به‌نحوی که مباحثی از قبیل «حقوق بین‌المللی توسعه» یا «رژیم قضایی قراردادهای توسعه» رفته رفته در حقوق بین‌الملل جایگاه خود را می‌یابند. از این رو حل و فصل چنین اختلافاتی نیز طریقه و قواعد مناسب خود را اقتضا می‌کند که شایع‌ترین آنها ارجاع به داوری است؛ هرچند مواردی نیز وجود دارد که شرکتهای خارجی، حاکمیت قوانین و محاکم دولت طرف قرارداد را پذیرفته‌اند.

3. اوصاف و خصوصیات منحصر به فرد یا متحدالشکل قراردادهای سرمایه‌گذاری بین اشخاص خصوصی خارجی و دولتها و مسائل و جنبه‌های مختلف آنها موجب شده است تا حل و فصل اختلافات ناشی از آنها از طریق داوری نیز ویژگی‌های خود را داشته باشد. متمرکز کردن این ویژگی‌ها، منجمله از طریق «سازمانی کردن» نحوه حل و فصل و روند داوری آن امکان‌پذیر گشته است.

«کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع سایر دول»² که به‌موجب آن یک «مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری»³ تشکیل شده به همین منظور تهیه و تنظیم گردیده و به تصویب دولتهای عضو رسیده است.

با تشکیل این مرکز داوری که در چارچوب کنوانسیون مذکور عمل می‌کند، داوریهایی ارجاع شده به آن، از جمله داوریهایی سازمانی به‌شمار می‌رود.

4. «بانک جهانی ترمیم و توسعه»⁴ اول بار در سال 1962 به فکر سر و سامان دادن به نحوه حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولتها و اشخاص خصوصی خارجی افتاد و به هیئت اجرایی بانک مأموریت داد که موضوع را بررسی و گزارشی ارائه کند. این گزارش که پس از جلسات متعدد و نیز با کمک کمیسیون اقتصادی سازمان ملل تهیه شده بود،

2. Convention on the settlement of Investment Disputes between States and Nationals of other states.

3. International Centre for Settlement of Investment Disputes.

4. International Bank for Reconstruction and Development.

به‌موجب تصمیم شماره 214 مورخ 10 سپتامبر 1964 هیئت مدیره بانک جهانی تصویب گردید و از هیئت اجرایی خواسته شد که پیش‌نویس کنوانسیون را در همین زمینه تهیه نماید. پیش‌نویس مذکور پس از حدود یک سال تنظیم شد و بعد از انجام تشریفات لازم در تاریخ 18 مارس 1965 تحت نام «کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع سایر دول» به دولتهای عضو بانک جهانی تسلیم گردید و برای امضای ایشان و نیز دولتهای عضو اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری افتتاح شد. به‌موجب ماده 68 کنوانسیون مذکور، 30 روز پس از اینکه بیست دولت آن را امضا نمایند، قابلیت اجرا می‌یابد که این نصاب سرانجام در تاریخ 14 اکتبر 1966 حاصل آمده و اجرا شده است و در حال حاضر بیش از 70 دولت عضو دارد.

5. پاره‌ای از اوصاف کنوانسیون و مقررات آن را جهت آشنایی بیشتر با آن، ذیلاً می‌آوریم:

اولاً، به موجب ماده 1 کنوانسیون مذکور، يك «مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری» تأسیس گردیده که محل آن در مرکز بانک جهانی (واشنگتن) است و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی مستقل می‌باشد (مواد 18-24 کنوانسیون).
ثانیاً، هدف این مرکز، تسهیل امر سازش یا داوری بین دولتهای عضو کنوانسیون و اتباع سایر دول عضو می‌باشد و رأی ساً به امر داوری یا سازش نمی‌پردازد؛ بلکه دارای يك «کمیسیون سازش» و يك «دیوان داوری» است. همانطور که ملاحظه می‌شود این مرکز بین‌المللی علاوه بر داوری در اختلافات مربوط، امر «سازش»⁵ را نیز عهده‌دار است که از جمله روشهای حل و فصل به‌شمار می‌رود و خود، تشریفات و مقررات خاصی دارد. نحوه انتخاب اعضا و تشکیل کمیسیون و دیوان مذکور طی مواد 12 تا 16 کنوانسیون پیش‌بینی شده و اوصاف و شرایط اعضا نیز در ماده 14 آن آمده است. حسب مواد 31 و 40، کنوانسیون اجازه داده است که طرفین اختلافات، داوران یا

5. Conciliation.

سازشگران⁶ خودی را از خارج نیز تعیین کنند؛ منتهی در هر حال بایستی واجد شرایط مقرر در ماده 14 مذکور باشند. ثالثاً، ارکان این مرکز عبارت است از: شورای اداری (متشکل از نمایندگان دول عضو)، و دبیرخانه (متشکل از یک نفر دبیرکل و معاونان او که به وسیله شورای اداری انتخاب می‌شوند). از جمله مهمترین وظایف شورای اداری مرکز، تدوین و تصویب آیین دادرسی در داوری یا سازش است و نیز مهمترین اختیارات دبیرکل مرکز عبارت است از رد درخواست داوری یا سازش که به نظر او آشکارا از صلاحیت مرکز خارج باشد.

رابعاً، صلاحیت مرکز در مواد 25 تا 27 کنوانسیون تشریح شده است. منظور از صلاحیت قلمروی است که مفاد کنوانسیون و تسهیلات مرکز در رابطه با سازش و داوری در محدوده آن قابل اجرا و دسترسی می‌باشد. شرط مهم صلاحیت مرکز، رضایت و قبول کتبی طرفین اختلاف نسبت به آن است که پس از اعلام، قابل رجوع و عدول نیست. علاوه بر این، برای احراز صلاحیت مرکز لازم

6. Conciliator.

است که نوع اختلاف حاصله نیز در چارچوب شرایط کنوانسیون بگنجد؛ به این معنی که مطابق ماده (1) 25 کنوانسیون، اختلاف مربوط بایستی از نوع «اختلاف حقوقی که مستقیماً ناشی از سرمایه‌گذاری است» باشد. معذک هر کدام از کشورهای عضو می‌تواند از قبل اعلام نماید که نوع خاصی از اختلافات در صلاحیت مرکز قرار می‌گیرد یا خیر (ماده (4) 25 کنوانسیون).

نکته دیگری که در رابطه با صلاحیت مرکز بایستی مورد توجه قرار گیرد، طرفین اختلاف است؛ یعنی اختلاف بایستی بین یکی از دولتهای عضو کنوانسیون یا نماینده یا تشکیلات فرعی او از یکسو و یکی از اتباع دولتهای دیگر عضو - اعم از حقیقی یا حقوقی - از سوی دیگر، حادث شده باشد. در مورد تابعیت چنین تبعه‌ای نیز در همان ماده 25 شرایطی مقرر گردیده است.

خامساً، در صورت قبول صلاحیت مرکز در رسیدگی به اختلاف بین یکی از دول عضو و اتباع سایر دول عضو، دولت متبوع آن تبعه حق ندارد به‌عنوان حمایت سیاسی، دعوی خود را به مرکز بیاورد، مگر

اینکه دولت طرف اختلاف با چنین تبعه‌ای از اجرای حکم صادره امتناع ورزد (ماه 27 کنوانسیون).

سادساً، چنانچه طرفین، آیین داورى یا سازش خاصى را مقرر یا انتخاب نکرده باشند، آیین دادرسی یا سازش مصوب شورای اداری قابل اجرا خواهد بود.

سابعاً، قانون حاکم بر اختلاف همان است که طرفین نسبت به آن توافق کرده‌اند؛ ولی در صورت سکوت طرفین، دیوان داورى قانون دولت طرف اختلاف را اجرا می‌کند، مگر اینکه قواعد حل تعارض همین قانون، اجرای قوانین دیگری را ضروری سازد؛ به‌علاوه، آن دسته از قواعد حقوق بین‌الملل که قابل اجرا باشند نیز اعمال می‌شوند (ماده 42 کنوانسیون).

ثامناً، احکام صادره از دیوان داورى برای طرفین لازم‌الاجرا است، مگر اینکه تقاضای تجدیدنظر (ماده 51 کنوانسیون) یا ابطال آنها شود (ماده 52 کنوانسیون) که مرجع رسیدگی به آنها نیز خود مرکز است. نکته جالب توجه در رابطه با احکام مذکور اینکه ماده 54 کنوانسیون مقرر نموده است که دولتهای عضو، احکام صادره

را همانند احکام نهایی محاکم داخلی خود
تلقی کرده و آنها را شناسایی و اجرا
خواهند نمود. به این ترتیب، اعتراض به
احکام مذکور در محاکم محل اجرا یا توسل
محاکم محل اجرا به مقررات شناسایی و
اجرای احکام خارجی، منتفی است. با وصف
این، باید توجه داشت که چون ممکن است
به موجب دکترین «مصونیت حاکمیت»، بعضی
از احکام مرکز علیه دولت‌ها قابل اجرا
نباشد، علیهذا ماده 55 کنوانسیون تصریح
نموده است که اجرای اجباری احکام مرکز،
به معنای معافیت از مقررات مربوط به
مصونیت دولت نخواهد بود.

6. هر چند - همانطور که اشاره کردیم -
هدف این کنوانسیون و مرکز، به سامان
کردن حل و فصل اختلافات ناشی از
سرمایه‌گذاری است، ولی با توجه به اینکه
معمولاً کشورهای سرمایه‌پذیر از کشورهای
جهان سوم و شرکتهای سرمایه‌گذار از جمله
شرکتهای عظیم بین‌المللی و چندملیتی
می‌باشند که دارای نفوذ فراوانی هستند،
معلوم است که تشکیل مرکز بین‌المللی حل
و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری،

بیش از هر چیز و فارغ از انگیزه‌های حقوقی، ابزاری است برای اطمینان‌بخش کردن و آسودگی خیال محافل مالی و بانکی جهان غرب در سرمایه‌گذاری در کشورهای فقیر و کنترل نحوه حل و فصل اختلافات ناشی از آن. در هر حال، «مجله حقوقی» خوشوقت است که با معرفی این قبیل کنوانسیونها و مراکز حقوقی بین‌المللی، نه تنها خوانندگان خود را با آنها آشناتر می‌سازد، بلکه زمینه مطالعه تطبیقی بیشتر آنها را نیز فراهم می‌نماید. لازم به یادآوری است که ترجمه فارسی کنوانسیون، رسمی نیست.

۰۴۰۴